

## حادثه مرگبار

## پشت درهای بسته کافه رستوران

تحقیقات درباره مرگ مشکوک شاگرد رستورانی در شمال تهران از سوی کار آگاهان جنایی ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۸:۴۵ عصر روز ۱۱ فروردین مرد رستوران داری بااداره پلیس تماس گرفت و گفت یکی از شاگردانش داخل رستوران به طرز مشکوکی فوت کرده‌است. بااعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش راهی رستوران در خیابان شرعیتی حوالی پل رومی شدند. مأموران پلیس داخل رستوران با جسد مرد ۳۱ساله‌ای به نام بهرام روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت از پله‌های رستوران سر طرز مشکوکی با صورت به پایین سقوط کرده و جان باخته‌است. بدین ترتیب مأموران پلیس موضوع حادثه را به قاضی واحدی، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند و باز پرس جنایی هم همراه تیمی از کار آگاهان ادار دهمم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. صاحب رستوران به مأموران پلیس گفت: مدتی است به خاطر بیماری کرونا به دستور وزارت بهداشت رستورانم را تعطیل کرده‌ام و به همین خاطر تمامی شاگردان، کارگران و آشپزهایم به مرخصی رفتند و فقط بهرام در رستوران ماند او را من خواست شهباد رستوران بخوابدم و من هم قبول کردم. معمولاً هر روز به رستوران سر می‌زدم و جویای احوال بهرام بودم و آخرین بار هم روز قبل او را دیدم و حالش خوب بود. ساعتی قبل برای انجام کاری با بهرام تماس گرفتم اما او نه تلفن همراهش را و نه تلفن رستوران را جواب نداد که من جسد خونین بهرام روبه‌رو شده‌ام که از پله‌هایم پایین سقوط کرده بود و بلافاصله با اداره پلیس تماس گرفتم.

مأموران پلیس در تفتیش بدنی دست نوشته‌ای از داخل جیب مرد فوت شده کشف کردند که نوشته بود من بیمار هستم و اگر اتفاقی برای من افتاد بدانید که من کرونا ندارم. از سوی دیگر مأموران پلیس در تن پیمایی از جسد باخراشیدگی هایی روی دست او روبه‌رو شدند که احتمال می‌رفت این خراشیدگی هادر درگیری یا فرود دیگری به‌وجود آمده باشد.

بدین ترتیب قاضی واحدی به مأموران پلیس دستور داد از کارگران و شاگردان رستوران تحقیق شود که آیا بهرام با صاحب رستوران یا فرود دیگری اختلاف داشته است یا نه؟ همچنین قرار شد علاوه بر تحقیق درباره نوع بیماری وی، دست نوشته کشف شده از سوی کارشناسان خط بررسی و مشخص شود، این دست خط متعلق به بهرام است یا اینکه جعل شده‌است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد مرد فوت شده برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

## انکار اسیدپاشی

## در جلسه دادگاه

**مرد جوانی که متهم است در درگیری اسیدی یکی از طرفین دعوا را کسور کرده است، در دادگاه جرم خود را انکار کرد.**

به گزارش جوان، شامگاه پنجم شهریورسال ۹۵ بود که مأموران کلانتری خزانه با تماس تلفنی از حادثه اسیدپاشی در پارک بازیافت باخیر وراهی محل شدند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد دقایقی قبل درگیری دسته‌جمعی رخ داده است که در جریان مرد جوانی به نام مجید دو نفر را به نام‌های بهرام ومیثم هدف اسیدپاشی قرار داده‌است.

پس ازاین مأموران پلیس برای بررسی بیشتر راهی بیمارستان شدند که دریافتند میثم که دچار سوختگی سطحی شده و پس از درمان از بیمارستان مرخص شده اما بهرام که علاوه بر سوختگی در این حادثه با چاقو هم زخمی شده‌است، برای درمان به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شده‌است. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه بهرام پس از ۲۰ روز بستری و چند عمل جراحی از بیمارستان مرخص شد. وی که از ناحیه سر و صورت به شدت آسیب دیده‌و یکی از چشمش را از دست داده بود، به مأموران گفت: من و دوستم، میثم در پارک نشسته بودیم که دیدیم چند نفر بهم درگیر شدند. لحظاتی بعد دو نفری برای میاجبگیری وارد درگیری شدید که یکی از طرفین درگیری طرف پلاستیکی که داخلش مایه‌ی دود بود، روی ما پاشید. ناگهان سوزش عجیبی سر با تايم را فرا گرفت به طوريکه از در فریاد «ای سوختم» من به آسمان بلند شد و همان لحظه فهمیدم مایع داخل ظرف پلاستیکی مایع اسیدی بوده که روی ما پاشیده. میثم هم در تحقیقات پلیسی حرف‌های دوستش را تأیید کرد و گفت اسیدپاش مرد ۴۲ ساله‌ای در نام مجید است. در حالی که بررسی‌های نشان می‌داد مجید شرور سابقه‌دار معرفی است. مأموران تحقیقات خود را برای دستگیری وی آغاز و مدتی بعد او را دستگیر کردند. پرونده مرد اسیدپاشی پس از تحقیقات تکمیلی برای رسیدگی به شبهه هفتم دادگاه یک کیفری استان تهران ارسال شد. چندی پسر شرور در شبهه هفتم دادگاه یک کیفری ای استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و از خود دفاع کرد.

در آن جلسه بهرام در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من مجید را از قبل می‌شناختم و به خاطر موضوعی چند باری با هم درگیر شده بودیم و به همین خاطر او از من کینه داشت و روز حادثه هم به صورت عمد به صورت مایع اسیدی پاشید. وی ادامه داد: من در این حادثه از ناحیه سر و صورت و بدن به شدت دچار سوختگی شده‌ام و یکی از چشمش را از دست داده‌ام. من ۲۰روز در بخش آی‌سی یو بستری بودم که معجزه‌آسا زنده ماندم و الان برای من مهم تقاضای قصاص چشم و در یافت دهم دارم. سپس وکیل میثم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: موکلم که از ناحیه گردن و دست دچار سوختگی شده در دادگاه حاضر نیست و تقاضای دیده را مطرح کرده است. پس از صحبت‌های شاکي، متهم در جایگاه ایستاد و مقابل اسیدپاشی را انکار کرد. وی گفت: من و بهرام از قبل باهم اختلاف داشتیم چون او فرزندشوری است و چندین سابقه کیفری هم در پرونده‌اش دارد. سه سال و نیم قبل در گاراژی کار می‌کردم که بهرام به محل کارم آمد و منشی‌های مغازه‌ام را شکست کرد. به همین خاطر از او شکایت کردم و دادگاه او را در یک سال زندان و ۷۴ هزار و ۳۷۵ تومان مشاق محکوم کرد. پس از این پرونده منم امر تهتیدی می‌کرد تا شکایت‌م را پس بگیرم. او حتی بارها عکس‌های قهرتم نمای اش را در فضای مجازی منتشر کرد. دیود تا پنجاه‌های محل را پتو رساند. اما چون نتوانست رضایت مراجب کند راهی زندان شد تا اینکه مدتی بعد آزاد شد و تهدیدم کرد. روز گارم را اسبیه می‌کنم.

وی ادامه داد: در آن شب بود و من در گاراژ مشغول کار بودم که چند نفر به آتش نشانی اعلام کرد ده آتش‌سوزی عمدی رخ داده‌است و از طرفی شاکي پسر بدتم اسید پاشید که از ناحیه گردن و کمر دچار سوختگی شد و من آن لحظه من متوجه نشدم چه می‌شد. روی بهرام و دوستش اسید پاشید.

سپس وکیل وی به قضات گفت: شاکي و متهم سابقه درگیری داشته‌اند. متهم در آن درگیری خودش نیز دچار اسیدپاشی و سوختگی شده‌است. سوختگی روی سمت راست بدن موکلم نشان می‌دهد او نمی‌توانسته روی خودش اسید پاشد.
وی ادامه داد: در آن درگیر ماشین موکلم نیز دچار سوختگی شده بود و آتش نشانی اعلام کرد ده آتش‌سوزی عمدی رخ داده‌است و از طرفی شاکي پسر بدتم اسید پاشید که به همین خاطر دشمنان زیادی دارد که احتمال می‌دهم یکی از دشمنانش اقدام به اسیدپاشی او کرده‌باشد. به همین خاطر به نظر می‌رسد موکلم بی‌گناه است و شخص دیگری اقدام به اسیدپاشی کرده است.

در پایان قضات وارد شور شدند و میثم را به پزشکی قانونی معرفی کردند تا پس از انجام آزمایش‌های لازم از سوی کارشناسان پزشکی قانونی مشخص شود متهم روی خود اسید پاشی یا به‌وی قربانی اسیدپاشی شده‌است. بدین ترتیب رأی دادگاه به بعد از اظهار نظر کارشناسان پزشکی قانونی مو کول شد.

## مرگ مشکوک دختر جوان سانحه یا قتل؟



**دختر جوانی پس از درگیری با پسر مورد علاقه‌اش به طرز مشکوکی در یک سانحه ارتدگی به کام مرگ رفت، تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.**

به گزارش جوان، ساعت ۵ صبح ۱۲ فروردین‌ماه قاضی واحدی، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد از مرگ مشکوک دختر جوانی در یکی از بیمارستان‌های تهران باخیر و همراه تیمی از کار آگاهان ادار دهمم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در بیمارستان با جسد بی‌جان دختر جوانی به نام شیوا روبه‌رو شد که حکایت از این داشت در تصادفی به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌است.

نخستین بررسی‌ها نشان داد شامگاه حادثه مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد در جریان تصادف خودروی پژو ۲۰۶ با کاردریسل کنار خیابان قرار می‌گیرند و به محل حادثه تان می‌نشینند. مأموران پلیس در محل حادثه در صندلی جلو قسمت شاگرد که با پیگردانم دختر جوانی روبه‌رو می‌شوند که در اثر تصادف به کام رفته بود. همچنین مأموران پلیس در یافتند صاحب خودرو که پسر جوانی به نام بابک است پس از حادثه بارها کردن خودرواش از محل گریخته‌است. سپس مأموران پلیس، دختر جوان را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند که ساعتی بعد وی به خاطر شدت جراحات روی تخت بیمارستان فوت می‌کند. از آنجایی که مرگ دختر جوان مشکوک به نظر می‌رسید، کار آگاهان تحقیقات خود را درباره حادثه آغاز کردند که مشخص شد، شیوا مدتی قبل بابلیک در فضای مجازی رابطه دوستانه برقرار می‌کند و با هم فرار ازواج می‌گذارند. بررسی‌های میدانی و تحقیقات محلی مأموران پلیس نشان داد این دو بعد از نامزدی باهم اختلاف پیدا می‌کنند که در نهایت شیوا در تصادفی با خودروی بابک به کام مرگ می‌رود.

در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهم فراری ادامه داشت کار آگاهان شنیدند شاکي بابک خودش را به کلانتری معرفی کرده است.

پس از اینس کار آگاهان بابک را به اداره آگاهی منتقل کردند و مورد بازجویی قرار دادند. وی در بازجویی‌ها به تصادف خودرواش با کاردریسل اعتراف کرد و مدعی شد که شیوا به خاطر این سانحه فوت کرده‌است.

متهم در ادعایی گفت: چند ماه قبل عضو گروه تلگرامی شدم که اعضای آن تعداد زیادی دختر و پسر جوان بودند. اعضای گروه بیشتر به صورت پیامکی و فرستادن مطالب با هم ارتباط داشتند

تا اینکه من باشوا در آن گروه آشنا شدم. ما ابتدا

## حواشات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

## نقشه سرقت

## میلیاردی در دست باجناب



سرقت میلیاردی زده‌اند. تحقیقات مأموران پلیس نشان داد شهاب مدتی است در یک فروشگاه لوازم ضبط و صوت خودرو مشغول به کار است و بدین ترتیب برای دستگیری سارق راهی فروشگاه شدند و متهم را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها هم‌دست خود را به نام بهمن به مأموران معرفی کرد و مدعی شد که از سوی مرد جوانی برای این سرقت میلیاردی اجیر شده بودند. وی در ادعایی گفت:

چند روز قبل از سرقت مرد جوانی به نام حمید برای خرید رادیو ضبط خودرو به محل کارم مراجعه کرد. او چند باری به بهانه خرید به محل کارم آمد و با من رابطه دوستانه برقرار کرد. یک روز مرا برای خوردن شام به رستورانی دعوت کرد و در آنجا پیشنهاد داد از خانه باجنابش سرقت کنم. او گفت با باجنابش اختلاف از ثبه دارد و گفت اگر از خانه او سرقت کنم دستمزد خوبی به من می‌دهد. ابتدا قبول نکردم اما وقتی گفت دستمزد یک خودروی مدل بالا است

و سوسه شدم و قبول کردم همراه یکی از دوستانم سرقت کنم. او نشانی خانه باجنابش را به ما داد و قرار شد شبی که صاحبخانه بیرون باشد به ما خبر دهد و در نهایت هم شنب حادثه به ما گفت برای سرقت وارد خانه باجنابش شویم. ما طبق دستور و نشانی‌هایی که او داده بود اموال باجنابش را سرقت کردیم و بعد تمام اموال سرقتی را تحویل مرد جوان دادیم.

■ **اعتراف باجناب به سرقت**

با اعتراف متهم، مأموران پلیس بهمن و حمید را بازداشت کردند. بهمن در بازجویی‌ها به همدستی با شهاب اعتراف کرد. حمید ابتدا منکر جرم خود شد اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد اعتراف کرد سارقان را برای سرقت از خانه باجنابش اجیر کرده‌است.

وی گفت: وضع مالی متوسطی دارم اما باجنابم وضع مالی خیلی خوبی دارد و به همین خاطر همیشه به

او حسادت می‌کردم. از طرفی خانواده همسرم به باجنابم بیشتر احترام می‌گذاشتند و همین موضوع مرا آزار می‌داد. مدتی قبل فهمیدم به باجنابم از ثبه میلیاردی رسیده‌است و او هم همه از ثبه‌اش را به دلار تبدیل کرده و در خانه‌اش نگهداری می‌کند.

وقتی باجنابم به من گفت قرار است با دلارهایش خانه‌ای در خارج از کشور بخرد خیلی حسادت کردم و تصمیم گرفتم سارق یا سارقانی را برای سرقت اموالش اجیر کنم. وی ادامه داد: مدتی قبل از طریق یکی از دوستانم متوجه شدم فرزندشده یک فروشگاه لوازم صوتی سارق سابقه‌دار است و به همین دلیل به مغازه‌اش رفت و آمد کردم و با او دوست شدم و بعد در فرصت مناسب پیشنهاد سرقت را مطرح کردم و او وقتی فهمید دستمزد خوبی برای این کار در نظر گرفته‌ام قبول کرد.

تحقیقات از متهمان به دستور قاضی پرونده ادامه



### امنیت جامعه

### شرط تحقق جهش تولید

رئیس پلیس پایتخت با بیان اینکه تأمین امنیت جامعه یکی از مهمترین شروط تحقق جهش تولید است، گفت: مبارزه با قاچاق کالا، پول‌شویی، سوداگری، دلالی و اخلاک‌گران حوزه‌های آرزوی و اقتصادی و متخلفان حوزه‌های سایبری می‌تواند در جهش تولید نقش مستقیم داشته باشد.

سردار حسین رحیمی در پنزدهمین قرارگاه نوروزی پلیس پایتخت با اشاره به اینکه پلیس پایتخت با همدلی، اخوت و هم افزایی توانست سال ۹۸ را با همه فراز و نشیب‌هایش سر بلند و موفق سپری نماید گفت: در موضوع ویروس منحوس و ناشناخته کرونا نیروی انتظامی بعد از کادر پزشکی و درمانی از جمله سازمان‌هایی بود که با جدیت و حساسیت انجام وظیفه کرد که به عنوان نمونه می‌توان به کشفیات چند ده‌میلیونی دستکش، ماسک و مواد ضد عفونی کننده و تشکیل کمیته‌های هفتگانه اشاره کرد.

رئیس پلیس پایتخت با تأکید بر اینکه همه تمهیدات و حساسیت‌های اعمال شده در حوزه کرونا باید با جدیت دنبال شود، افزود: رعایت اصل فاصله گذاری اجتماعی و رعایت اصول بهداشتی فردی واجتماعی در حوزه کارکنان، ارباب رجوع و حتی متهمان و مجرمان باید کم‌افی السابق در دستور کار باشد.

این مقام ارشد انتظامی با اشاره به نامگذاری سال ۹۹ از سوی مقام معظم رهبری به سال «جهش تولید» خاطر نشان کرد: در راستای تحقق شعار سال «جهش تولید» پلیس از ظرفیت و قابلیت‌های بالایی برخوردار است که باید به این مهم توجه عمل پوشانده شود.

وی با تأکید بر اینکه تأمین امنیت جامعه یکی از مهمترین شروط تحقق جهش تولید می‌باشد، چراکه در سایه امنیت است که رونق و شکوفایی در عرصه‌های مختلف تحقق پیدا می‌کند، بیان داشت: مبارزه با قاچاق کالا، پول‌شویی، سوداگری و دلالی و اخلاک‌گران حوزه‌های آرزوی و اقتصادی و متخلفان حوزه‌های سایبری می‌تواند در جهش تولید نقش مستقیم داشته باشد.

## آگهی تحدید حدود عمومی

**آگهی تحدید حدود عمومی املاک مربوط به حوزه ثبتی شهرستان سرباز واقع در بخش چهارده بلوچستان قطعات ۱ و ۲ در اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت به شرح ذیل آگهی می‌گردد.**

- **پلاک ۸۶۰** فرعی از ۷- اصلی آقای غلام نبی حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۴۳۰/۷۲ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۸۶۱** فرعی از ۷- اصلی آقای خیرمحمد حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۴۴۰/۸۴ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۸۶۲** فرعی از ۷- اصلی آقای کمال حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۶۹۲/۰۸ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۸۶۴** فرعی از ۷- اصلی آقای غلام نبی حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۳۰/۵۳ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۸۶۶** فرعی از ۷- اصلی آقای خیرمحمد حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۳۱/۱۱ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۸۷۰** فرعی از ۷- اصلی آقای کمال حسین زنی فرزند غلام محمد شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۳۰/۹۶ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای باتک
- **پلاک ۶۲۷** فرعی از ۲۹- اصلی خاتم النبیین ابوالفضل گوردر

- **پلاک ۶۶۱** فرعی از ۲۹- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران یا نمایندگی شبکه بهداشت و درمان سرباز شش‌دانگ یک باب ساختمان محل خانه بهداشت به مساحت ۱۶۰/۱۰ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای گوردر
- **پلاک ۴۴** فرعی از ۷۱- اصلی آقای خلیل رئیس مهر فرزند ابراهیم شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۵۲۷/۱۴ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه یک سرباز روستای خدا آباد دیکور (۱۳۹۹/۲/۱۵)
- **پلاک ۸۷۹** فرعی از ۳۱- اصلی آقای یارمحمد نبات زنی فرزند گل محمد شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۲۸/۵۴ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز شهر راسک
- **پلاک ۱۰۶۶** فرعی از ۳۱- اصلی آقای مسعود داتسمند فرزند نبی بخش شش‌دانگ یک باب ساختمان محل خانه بهداشت قطعه دو سرباز شهر راسک کتوده منشعبه خیابان اسام خمینی (ره)
- **پلاک ۱۸۶۷** فرعی از ۳۱- اصلی آقای سمیر خدیر فرزند جان محمد شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۱۳۱۰/۸۸ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز شهر راسک
- **پلاک ۱۸۶۹** فرعی از ۳۱- اصلی آقای نعیم اسکاتی فرزند محمد مراد سه دانگ مشاع و آقای مجیب اسکاتی فرزند علی نواز سه دانگ از شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۳۴/۵۴ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز شهر راسک خیابان اسام خمینی (ره) (۱۳۹۹/۲/۱۶)»

- **پلاک ۲۶۹۴** فرعی از ۴۲- اصلی آقای رحمت اله یکرنگ فرزند دامه‌محمد شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۴۴/۳۹ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز شهر پیشین
- **پلاک ۲۶۹۷** فرعی از ۴۲- اصلی آقای فاروق تاجداری فرزند قادر بخش شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۱۶۰/۳۱ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز شهر پیشین
- **پلاک ۲۵۲** فرعی از ۷۴- اصلی آقای عبدالوحد برهانی فرزند غلام قادر شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۹۱/۹۸ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز روستای جنگل
- **پلاک ۷** فرعی از ۱۵۴- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران یا نمایندگی شبکه بهداشت و درمان سرباز شش‌دانگ یک باب ساختمان محل خانه بهداشت به مساحت ۱۶۹/۱۲ متر مربع واقع در بخش ۱۴ بلوچستان قطعه دو سرباز روستای بیاتان
**تحدید حدود املاک فوق در وقت اداری موعدم مقرر در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد و مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت به مالکین و صاحبان املاک مجاور پلاک‌های فوق الذکر اعلام می‌گردد تا در وقت اداری روز مقرر مندرج در این آگهی، در محل حضور بهم رسانند و چنانچه صاحبان املاک و یا نماینده قانونی آنها در موقع تحدید حدود در محل حاضر نباشند تحدید حدود املاک فوق مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین به عمل خواهد آمد و چنانچه مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶- آیین نامه ثبت هر یک از مجاورین یا صاحبان حقوق ارتفاقی اعتراض داشته باشند باید اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت محل تقدیم و رسید دریافت نمایند و ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک، دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی محل تقدیم و گواهی مربوط را اخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک سرباز ارائه نمایند والا حق و اساقط و عملیات ثبتی برابر مقررات ادامه خواهد یافت.**

**م‌الف: ۱/۰۸۶/ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان سرباز- سید حمیدرضا نظامی**

شناسه: ۱۵۲۵۷۷۰